

در گفت‌وگو با دکتر علیرضا موسوی زاده استاد دانشگاه ولز بررسی شد

## دلایل مخالفت آمریکا با برجام



دکتر علیرضا موسوی زاده استاد دانشگاه ولز و متخصص امور مطالعات تاریخ امپراتوری و دیپلماسی انگلستان است. ایشان در گفت‌وگوی پیش‌رو ضمن بررسی راهبردهای ایالات متحده آمریکا در امور داخلی و خارجی معتقد است که این سیاست‌ها دنباله‌دار بوده و در راستای منافع ملی کار می‌کند و با افراد و احزاب تغییری در آنها حاصل نمی‌شود. دکتر موسوی زاده با بیان اینکه در سیاست دلایل زیادی وجود دارد که باعث می‌شود شعاری مطرح شود اما در ذهن منظور اصلی متفاوت باشد، توضیح می‌دهد که در شرایط کنونی خاورمیانه در حال تحول و پوست‌اندازی است و به همین دلیل قدرت‌های منطقه‌ای مانند عربستان تمام تلاش خود را می‌کنند تا ایران و آمریکا به یکدیگر نزدیک نشوند. این استاد مطالعات دیپلماسی همچنین در بخشی دیگری از این گفت‌وگو تصریح می‌کند که در آینده برجام در روند طبیعی خود به جلو می‌رود، زیرا موقعیت کلیدی ایران ربطی به عربستان و آمریکا ندارد و هر ابرقدرتی خواستار هماهنگی و تعامل با ایران است.

### عربستان و خاورمیانه را عملاً در چه می‌بینید آیا به تفاوت در رویکرد معتقد نیستید؟

من با اوپاما و ترامپ کاری ندارم. من درباره سیاست خارجی آمریکا حرف می‌زنم. این سیاست دنباله‌دار و در ادامه‌دار است. به خاطر مخاطب‌های داخلی اوپاما می‌گفت عرب‌ها زیادی از شرایط ما سوءاستفاده می‌کنند و ترامپ هم می‌گوید بقیه باید خرج خودشان را بدهند. نظر یکی است و فقط شعارها فرق می‌کند و هر دو در راستای منافع ملی کار می‌کنند. یعنی این سیستم است که در راستای منافع ملی کار می‌کند و مهم نیست شعارها، احزاب و افسراد چه می‌گویند. منافع ملی با افراد و احزاب تغییر نمی‌کند.

امروز عربستان بسیار عصبی است؛ این موضوع در سیاست این کشور با ترکیه نیز قابل مشاهده است. کودتایی که سه، چهار سال پیش صورت گرفت مورد حمایت عربستان بود. عربستان در

باشند. احزاب هم همین‌طور هستند، یعنی مردم یک بار به این تیم و بار دیگر به تیم بعدی رای می‌دهند که پیامدهای ناشی از آن نیز یکی خواهد بود. تنها تفاوتی که وجود دارد بر سر این است که طیفی که عهده‌دار امور می‌شود و برای مدتی بر سر کار است، جیب خود را کمی بیشتر پر می‌کند. مثلاً می‌گویند که ترامپ از قرارداد پاریس خارج شده است؟ عملاً این اتفاق زمانی افتاد که اداره کارهای زیست‌محیطی در آمریکا تبدیل به صنعت شده و رشد کرد. یعنی به یک سیستم تبدیل شد. در نتیجه معتقدم که این اعمال، سیاسی کاری و شعار است. هیچ حزبی با حزب دیگر تفاوت ندارد الی در شعارهایی که مطرح می‌کنند. وقتی یک طیف مولتی‌میلیاردر روی کار آمده و می‌گوید که آمده‌ام تا برای اقشار ضعیف کار کنم، این قطعاً یک حقه سیاسی است.

### تفاوت رویکرد اوپاما با ترامپ در مورد

### آیا در خصوص سیاست‌های ایالات متحده می‌توان قائل به تفاوت میان دموکرات‌ها و جمهوری خواهان بود؟

اقتصاد آمریکا پس از بحران سال ۲۰۰۸ و با ثبات شدن کار بانک‌ها شروع به رونق دوباره کرد. اتفاقاً این مسأله با صدرات همین طیف در قدرت آمریکا به نتیجه رسید و اگر اوپاما امروز بر سر کار بود، او اعتبار این امر را به حساب خود می‌گذاشت. معتقدم این مسأله سیاسی کاری‌هایی است که برای جلب مخاطبان و آرای انتخاباتی صورت می‌گیرد. یعنی شعارهایی مطرح می‌شود که ترامپ اقتصاد را به حرکت درآورده است، حال آنکه این شعارها توخالی است، زیرا اصل سیستم است که در قالب نهادینه شدن حوزه‌ها و حلقه‌های اقتصادی و با هدایت بروکراسی حرکت می‌کند.

در اینجا افراد مهره هستند و فقط شعارها تفاوت می‌کند تا بتوانند رای آورده و برای یک دوره سر کار

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

سقوط لیر ترکیه دخالت داشت، چون نمی خواهد با قدرتمند شدن ایران و ترکیه موقعیت خودش به خطر بیفتد. همین موضوع پیش آمده بر سر قتل جمال خاشقچی گسترده تر از مرگ یک خبرنگار است. عربستان از این کارها زیاد کرده است.

این مسائل اجزایی از حل دادن عربستان به عقب است. روند کلی بر مبنای همین کار است و حمایت آمریکا تبلیغی ظاهری است که نشان می دهد مجلس و سیستم با نظر رئیس جمهوری متفاوت است. این تبلیغی سیاسی است؛ شما نباید شعاع را ملاک قرار دهید. باید روند را دید و به همین دلیل من می گویم برای سیاست باید به منافع ملی و به ریشه های زیر خاک نگاه کرد. در سیاست دلایل زیادی وجود دارد که باعث می شود شما شعاری بدهید، ولی در ذهن چیز دیگری را در نظر داشته باشید. حرفهایی که رئیس جمهوری آمریکا می زند و حمایت هایی که در ظاهر صورت می گیرد، هیچ کدام ملاک نیست. لذا در مورد عربستان یک عامل می تواند عامل کاهش قدرت عربستان در منطقه باشد که نتیجه اش در پادشاهی محمد بن سلمان تأثیر گذار خواهد بود.

### ● موضوع ائتلاف امنیتی - سیاسی آمریکا با کشورهای عربی که به ناتوی عربی مشهور شده است تا چه اندازه عملی است؟

من این مسأله را بسیار ساده لوحانه می بینم. در این میان ایران بهانه شده است، در حالی که در صدد تعامل با ایران هستند. همه بسیار ساده به این مسائل نگاه می کنند در حالی که شرایط قبلی در حال تغییر و تحول است.

نگاه کلان ایالات متحده به شرق است و جهان به سوی چند قطبی شدن در حال حرکت است. در این راستا، خاورمیانه حالتی شناور دارد و همه از جمله قدرت های خارجی و داخلی به دنبال بازار هستند. این نوع دیدگاه و این سوال در قالب کلیشه ای گذشته می گنجد که ایران به عنوان یک هراس مطرح شود ولی در واقع این طور نیست. فشار بر روی ایران به این دلیل است که ایران را مجبور به تعامل به آنها کند. ایالات متحده امروز آن آمریکای ۵۰ سال پیش نیست و علاوه بر رقبای زیاد، مشکلات فراوانی نیز دارد که این مشکلات امروز بیشتر در شرق آسیا و چین متمرکز است.

طیفی که در آمریکا بر سر کار آمده اند بر اساس همین مشکلات فعلی و مسائل داخلی شعار می دهند. بین شعار و ایدئولوژی و عمل یک اقیانوس فاصله است. نمی توان بر اساس شعار تحلیلی از سیاست خارجی آمریکا ارائه کرد و این چنین تحلیلی بسیار ساده انگارانه خواهد بود.

### ● با توجه به اینکه می گویند خاورمیانه برای آمریکای امروز، نسبت به گذشته کم رنگ تر شده است آیا می توان ادعا کرد خاورمیانه دچار تحولات ساختاری خواهد شد؟

البته خاورمیانه اهمیت خود را از دست نداده است. خاورمیانه در آینده منطقه های تجاری خواهد شد که امروز در حال پوست اندازی است. بعد از فروپاشی کمونیسم دو قطب قدرت مشکلات را زیر فرش پنهان کرده و فقط سرکوب می کردند. یک سری کارهای احمقانه نیز انجام شد؛ مثل جنگ عراق و لیبی و... که در راستای آن به زخمی که از قبل بود دامن زد. خاورمیانه هم از لحاظ استراتژیک و هم از لحاظ اقتصادی اهمیت خود را خواهد داشت، ولی نباید کلیشه ای باشد بلکه باید مثل شرایط جدیدی باشد که تکامل پیدا کرده است. فرمت جهان دیگر مانند گذشته نیست. متأسفانه مردم هنوز خاورمیانه و جهان را با زمان جنگ سرد مقایسه می کنند. اما امروز نه تنها از آن ایستگاه گذشته ایم، بلکه همچنان در حال تکامل است تا به مرور زمان به ثبات برسد. البته این امر، کار یک شب و دو شب نیست و ممکن است چندین دهه طول بکشد.

در همین رابطه شما شاهد هستید که توافق هسته ای به سبلی برای عربستان تبدیل شده که می گوید ایران وارد سیاست بین الملل شده است. عربستان این را بر نمی تابد و فکر می کند باعث تضعیف و کم رنگ تر شدن این کشور خواهد شد. ولی من معتقدم عربستان عدد تأثیر گذاری نیست و فقط در تکیا است تا ایران و آمریکا با هم ارتباط برقرار نکنند. در نتیجه برجام در روند طبیعی خود جلو می رود.

### ● به نظر شما آیا بهتر نبود ایران بعد از خروج آمریکا از برجام از این پیمان خارج می شد؟

برای ایران بهتر است که بهانه ای به دست دنیا ندهد. برجام یک قرارداد نهادیه شده بین المللی است که تا اینجای کار برگ برنده در اختیار ایران قرار دارد. این مسائل چیزی نیست که یک روزه جواب بدهد. من هم در این گفتگوها درباره نتایجی که در یک دهه آینده اتفاق می افتد صحبت می کنم و نباید انتظار داشته باشیم که سیر تحولات یک شبه صورت بگیرد.

شرایط طبیعی ایران این است که موقعیتی کلیدی دارد و این به عربستان و به آمریکا ربطی ندارد. هر کسی که ابر قدرت باشد می خواهد با ایران هماهنگی داشته باشد و عربستان یا اسرائیل نمی تواند این موقعیت را عوض کنند. در واقع پستی و بلندی هایی که می بینید نوعی چانه زنی است.

### ● آیا منافع ملی کشورها تغییر می کند؟

منافع ملی ثابت می ماند؛ این سیاست های خارجی و داخلی است که تغییر می کند. منافع ملی ایران در طول تاریخ برخلاف بسیاری از کشورها مثل روسیه امنیتی است و آن ارزش باید محفوظ بماند. به طور مثال منافع ملی کشوری مثل انگلستان بر اساس تجارت و کاسبی است. این منافع ملی توسط شرایط اقلیمی دیکته می شود و به همین دلیل ثابت می ماند.

### ● با این تفاسیر آیا، منافع ملی آمریکا در برجام لحاظ شده بود؟

مسأله برجام یک بهانه بود. ایران به طور تاریخی از لحاظ استراتژیکی، یک قدرت کلیدی در منطقه است. اصولاً منطقه میان دریای مازندران و خلیج فارس این شرایط را داراست. زمانی که انقلاب شد، بر اساس تفکر آمریکایی ها گفته شد ما ایران را از دست دادیم و در نتیجه آمریکا از ابتدای انقلاب تا به حال در صدد آوردن ایران به حوزه استراتژیک غرب است و سعی کرده تا این هدف را به هر نحو خاصی انجام بدهد که البته هیچ کدام جواب نداده است. در اینجا، آنها به مسأله هسته ای متوسل شدند تا بهانه ای باشد که با بسیج سایر کشور و تحریم و فشار ایران را پای میز مذاکره بکشاند.

مسأله اتمی یک بهانه سیاسی بود تا اینکه در سال ۲۰۱۵ این قرارداد امضا شد. از دیدگاه کسانی که امروز بر آمریکا حاکم هستند، اروپایی ها از برجام منفعت بیشتری کسب کرده اند در حالی که موضوع اتمی مسأله ای بود میان ایران و آمریکا، یعنی بهره اقتصادی که مشکل بین ایران و آمریکا است وارد جیب اروپایی ها می شود و این طیف گفتند ما از این قرارداد خارج می شویم و هر کسی با ایران همکاری کند مشمول تحریم های آمریکا خواهد شد. در واقع آنها خواستند به اروپایی ها پیام بدهند که از حوزه ما کنار بروید. در این راستا، آمریکا می خواهد در وهله اول ایران وارد حوزه غرب شده و با آمریکا تعامل داشته باشد تا در مرحله بعد آمریکا وارد بازار ایران شود.

### ● چرا آمریکا بعد از توافق هسته ای وارد بازار ایران نشد؟

این طیف عقیده دارند توافق نیم بند بود و استحکام نداشت و چون اروپایی ها در این بین میانجی گری کرده اند خود را جلو کشیده اند.

### ● پس آمریکا با توافق هسته ای مشکلی ندارد و فقط مسأله در منافع اقتصادی است؟

اگر بخواهیم از دیدگاه آمریکا به مسأله نگاه کنیم، در صورت تعامل میان واشنگتن و تهران، برجام و مسائل منطقه ای میان دو کشور حل می شود. آمریکا در زمان ملی شدن نفت ایران این الگو را در برابر انگلیسی ها انجام داد. انگلیسی ها می گفتند ایران نفت ما را ملی کرده است و ما می خواهیم با حمله نظامی و منزوی کردن ایران این موضوع را مدیریت کنیم. در حالی که آمریکا مخالف این مسأله بود تا زمینه ورود شوروی به ایران فراهم نشود و مسأله با دیپلماسی حل شود. وقتی انگلیس تصمیم گرفت به آمریکا سهمی بدهد موضع آمریکا عوض شد. ایران در هر مقطع زمانی تاریخی نقشی استراتژیک داشته است. زمانی حالت سپر بلا بین امپراتوری بریتانیا و روسیه تزاری بود و زمانی سپر بلا در مقابل شوروی بود. وقتی که در ایران انقلاب شد غرب مجبور بود از ترکیه و عربستان به عنوان یدک کش استفاده

# از چیستی SPV تا کیستی ما

دکتر جلال میرزایی | دبیر سیاسی فراکسیون امید مجلس

پس از خروج آمریکا از برجام؛ بسیاری ندای فروپاشی این بنای عظیم و این بزرگ دستاورد دیپلماسی قرن را می‌دادند. در چند ماه اول خروج آمریکا از برجام، پروپاگانداي آمریکا به همراه سودجویان داخلی چنان بحران اقتصادی و بی‌ارزشی ریال ایران را بزرگ‌نمایی کردند که دیگر خوشبین‌ترین افراد که دل در گرو برجام و منافعش داشتند ناامید شدند و کم‌کم به ساختار تک‌قطبی روابط بین‌الملل به سروری آمریکا بر جهان باور پیدا کردند. اما در واقع با جدی شدن «اس‌پی‌وی» به نظر می‌رسد باید به پایان ساختار تک‌قطبی جهان باور کرد. اما «اس‌پی‌وی» چیست؟ SPV مخفف «Special Purpose Vehicle» که در فارسی می‌توان به «ابزار هدف ویژه»، و با توجه به اینکه این هدف در مورد مسائل مالی است می‌توان به «سازوکار ویژه مالی» ترجمه کرد. این سازوکار در واقع یک نهاد حقوقی مجزا است که توسط یک سازمان ایجاد می‌شود تا دارایی‌ها، بدهی‌های و یک وضعیت قانونی مخصوص به خود را تعریف کند و معمولاً این نهاد برای یک هدف خاص که اغلب برای مهار ریسک مالی می‌باشد، تاسیس شده است.

اتحادیه اروپا به عنوان یکی از طرف‌های مذاکره در برجام، پس از خروج آمریکا از توافق هسته‌ای برای حفظ مقابله با تکروری‌های ترامپ پیشنهاد «اس‌پی‌وی» را مطرح کرد. هدف اروپا از تأسیس این سیستم بانکی تسهیل پرداخت‌های مربوط به تبادلات کالا میان ایران و اروپا است، به گونه‌ای که به تراکنش مالی با بانک‌های اروپایی نیاز نباشد و آنها را به تحریم‌های آمریکا گرفتار نکند. در واقع این سازوکار ویژه مالی با چند هدف ایجاد می‌شود، نخست به اشتراک‌گذاری خطر مالی میان اعضای این سازوکار، دوم انتقال دارایی‌ها به شکل‌های مختلف که لزوماً وجه نقد می‌تواند نباشد.

سازوکار ویژه اتحادیه اروپا طرحی است که قرار است علی‌رغم تحریم‌های آمریکا علیه بانک‌هایی که با ایران معامله می‌کنند، راهی برای ادامه مبادلات مالی با ایران فراهم کند که به شرکت‌ها اجازه دهد بدون استفاده از سوئیفت، ارتباطات مالی بین بانکی با ایران را ادامه دهند. در این سیستم قرار است به یورو معامله نشود تا شامل تحریم‌های آمریکا بر معاملات ایران به دلار نشود. این سیستم بر خلاف سوئیفت که در سطح بین‌المللی قابل پیگیری است تنها در اختیار اروپاست و مقامات آمریکایی نمی‌توانند معاملات آن را پیگیری کنند. ابتدا اتریش، سپس لوکزامبورگ و اکنون بنا به گفته روزنامه آمریکایی وال‌استریت ژورنال، قرار است مقر این نهاد مالی در آلمان یا فرانسه تشکیل شود. در واقع تمامی کشورهای اروپایی ضمن حمایت از تاسیس این نهاد، سعی دارند کمترین خطر را متوجه منافع خود کنند. بر پایه این گزارش در صورتیکه نهاد مالی مزبور در فرانسه تشکیل شود، ریاست آن با یک مقام آلمانی خواهد بود و چنانچه در آلمان تشکیل شود، ریاست آن را یک فرانسوی به عهده می‌گیرد. قرار است نهاد مربوط به «سازوکار ویژه مالی» از سوی آلمان و فرانسه تأمین مالی می‌شود و به صورت مستقیم تحت مالکیت دولت‌های اروپایی مشارکت‌کننده خواهد بود. اتحادیه اروپا ابراز امیدواری کرده که در آغاز بیش از ده کشور اروپایی در این سازوکار مالی مشارکت کنند و در آینده احتمالاً کشورهای بیشتری مانند چین به این گروه بپیوندند.

اگرچه استفاده از این سازوکار مشکلات ارتباط بانکی ایران با جهان را به طور کامل برطرف نمی‌کند، اما می‌تواند از انزوای کامل مالی و تجارتي جمهوری اسلامی در دوران ترامپ جلوگیری کند و به ویژه به شرکت‌های کوچک مستقل

کند. برای همین است که عربستان به تکاپو افتاده است؛ چون آمریکایی‌ها روی ایران زوم کرده‌اند تا با ایران تعامل کنند و عربستان اهمیت نفت خود را از دست داده است. عربستان می‌خواهد از تک‌محصولی بودن خارج شود و با جاهای دیگری کار کند ولی بلد نیست.

به همین خاطر عصبی است که نمی‌خواهد ایران به حوزه طبیعی خود بازگشته و اهمیت استراتژیک عربستان از دست برود. وقتی دولت آمریکا می‌گوید ما ۴۰۰ میلیارد با عربستان کار می‌کنیم در وهله اول ارقامی ساختگی است که مطرح می‌شود. نه این میزان اسلحه رد و بدل شده است و نه این چنین تجارتی شده است. ۴۰۰ میلیارد حرفی هجو و ناشی از تبلیغات ترامپ است. این چنین قراردادی امضا نشده است، ولی اصل مطلب این است که این همه تبلیغ سیاسی برای مخاطبان داخلی و جلب کشورهای است که ارتباطشان با آمریکا رو به ضعف رفته است. این مسائل همه دست‌اندازهای شکل‌گیری موقعیت طبیعی ایران است.

● **یعنی هر دولتی در آمریکا باشد همین است؟**  
ربطی به دولت آمریکا ندارد. منافع ملی هر دولتی که در مقابل روسیه باشد این است که ایران به دلیل موقعیت استراتژیکش در حوزه ما و در تعامل با ما باشد.

● **ولی سیاست اوباما و ترامپ با هم متفاوت است.**  
عملای چیزی اتفاق نیفتاده است. مسائل داخلی تنش ایجاد کرده و اگر از برجام بیرون آمده‌اند به این دلیل بود که مسأله‌ای را که قرار است ده یا پانزده سال دیگر اتفاق بیفتد جلو کشیده و تکلیف خود را مشخص کنند. به همین دلیل ترامپ می‌گوید این قرارداد نیم‌بند است و ما قرارداد محکم‌تری می‌خواهیم. یعنی می‌خواهیم تکلیف خود را با ایران مشخص کرده و وارد تعامل شویم.

● **من با سوال درباره منافع ملی می‌خواستم به همین نقطه برسم که منافع ملی آمریکا در دولت اوباما و ترامپ تفاوتی نکرده است؟**

هیچ تغییری نکرده است و منافع ملی همان است. آمریکا کشوری سرمایه‌داری است و منافع ملی با افراد و احزاب فرقی نمی‌کند.

● **ولی می‌بینیم که ترامپ بیشتر و بهتر از اوباما به عربستان نزدیک شده است؟**

آن نزدیک شدن مصنوعی است. ترامپ را کنار بگذارید. سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا و منافع ملی این کشور بر این است که به شرق نگاه کند. آمریکا اکنون از دست اسرائیل نیز خسته شده است، ولی وقتی رابطه وجود دارد به یکباره نمی‌توانید آن را کنار بگذارید. معتقدم این موضوع نباید در حرف بلکه باید در عمل صورت بگیرد. کار با هیاهو نیست کار در عمل است. وقتی ۴۰ سال پیش آمریکا به نفت نیاز داشت و عربستان به امنیت، داستانی قدیمی است و امروز شرایط فرق کرده است.

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر